



ستایش (الطف خدا)

۱- به نام چاشنی بخش زبانها / حلاوت سنج معنی در بیانها

قلمرو زبانی: چاشنی: مزه، طعم / چاشنی بخش: آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. / حلاوت: شیرینی / حلاوت سنج: کسی که شیرینی را ارزیابی می‌کند، کسی که ملاک ارزیابی شیرینی است / **قلمرو ادبی:** قالب: مثنوی / وزن: مفاعیلن مفاعیلن فعولن (رشته انسانی) / زبان: مجاز از سخن / چاشنی بخش زبان: حس آمیزی / حلاوت سنج معنی: حس آمیزی / واج آرای: «ن»



بازگردانی: با نام خدایی که حضورش در سخن، مزه و شیرینی بدان می‌بخشد؛ نامش و حضورش در سخن، معیار سنجش شیرینی معنا در بیان هاست (شیرینی معنا از شیرینی بودن نام خداوند در بیان است؛ هر اندازه که نام حق در سخن بیشتر باشد، معنا نیز شیرین تر و البته ژرفتر خواهد بود).

پیام: آغاز کارها با نام خداوند

۲- بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژند آن دل که او خواهد نژندش

قلمرو زبانی: مرجع «او»: خدا / جهش ضمیر (خدا او را بلند خواهد) / نژند: خوار و زبون، اندوهگین / **قلمرو ادبی:** بلند آن سر: کنایه از سرافراز / سر و دل: مجاز از انسان / سر، دل: تناسب / تلمیح به آیه: تُعَزَّزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلِّلُ مَنْ تَشَاءُ. / موازنه (رشته انسانی) / واژه آرای: بلند، آن، او، نژند / واج آرای: «ن»

بازگردانی: آن کسی بزرگ و والا می‌شود که حق او را بزرگ گرداند؛ و آن کسی پست و فرومایه می‌شود که حق او را پست و فرومایه گرداند (همه چیز به دست اوست).

پیام: سربلندی و خواری به دست خداوند است.

۳- در ناپسته احسان گشاده ست / به هر کس آنچه می‌بایست داده ست

قلمرو زبانی: ناپسته: باز / گشاده: باز / احسان: نیکی، داد و دهش، بخشش / **قلمرو ادبی:** در احسان: اضافه استعاری (در خانه احسان) // واج آرای: «س»

بازگردانی: خداوند احسان و بخشش فراوانی دارد و به هر کس آن چه را شایسته اش باشد می‌دهد.

پیام: بخشندگی خداوند

۴- به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم

قلمرو زبانی: نهادن: گذاشتن، وضع کردن (بن ماضی: نهاد، بن مضارع: نه) // عالم: جهان / نی: نه / حذف فعل به قرینه لفظی در مصراع دوم (و نی یک موی کم باشد) / **قلمرو ادبی:** مو: مجاز از مقدار اندک / نی یک موی باشد بیش و نی کم: کنایه از اینکه همه چیز در جای خودش قرار دارد / بیش، کم: تضاد / واژه آرای: نی



بازگردانی: خداوند جهان را بر شالوده دانشی آفریده که همه چیز در جای خود نهاده شده است؛ نه چیزی زیاد است و نه کم.

پیام: قانونمندی آفرینش خدا

۵- اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادب‌ها اقبال گردد

قلمرو زبانی: لطف: مهر و نیکویی / قرین: همراه / ادب‌ار: بدبختی، سیه روزی / اقبال: خوشبختی، سعادت / **قلمرو ادبی:** اقبال، ادب‌ار: تضاد / واج‌آرایی «د» / واژه‌آرایی و ردیف: گردد

بازگردانی: اگر لطف و محبت خدا همراه انسان گردد، همه بدبختی‌های ما به خوشبختی بدل می‌شود.

پیام: نیک بختی به خواست خداست.

۶- وگر توفیق او یک سو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای

قلمرو زبانی: توفیق: سازگار گردانیدن؛ آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ / مرجع «او»: خداوند / تدبیر: اندیشه، چاره‌گری / رای: تدبیر و اندیشه / **قلمرو ادبی:** پای یک سو نهادن: کنایه از پشت کردن و کاری نکردن / پای، رای: جناس ناهمسان / واژه‌آرایی: نه /

بازگردانی: اگر لطف و یاری خداوند همراه انسان نباشد، هیچ چاره‌گری و نظری کارساز نیست و به کار نمی‌آید.

پیام: وابستگی تدبیر بشر به توفیق الهی

۷- خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره راییی

قلمرو زبانی: خرد: عقل / را: در معنای «به»؛ حرف اضافه / بخشیدن: دادن، عطا کردن (بن ماضی: بخشید؛ بن مضارع: بخش) // ابد: زمان بی پایان (هم‌آواره؛ عبد: بنده) / تیره‌راییی: بداندیشی، گمراهی / **قلمرو ادبی:** تیره، روشنایی: تضاد؟ / تیره‌راییی: حس آمیزی

بازگردانی: اگر خدا انسان را آگاه نکند (راه درست را به او نشان ندهد)، انسان تا ابد در نادانی و گمراهی به سر خواهد برد.

پیام: خرد وام‌دار خداوند است.

۸- کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه

قلمرو زبانی: عقل: خرد / **قلمرو ادبی:** عقل گوید: جانبخشی، مجاز

بازگردانی: در راه شناخت خداوند بهترین و کامل‌ترین راه خرد آن است که به ناآگاهی و نادانی خود اعتراف کند.

پیام: ناتوانی خرد در برابر علم ایزدی

فرهاد و شیرین؛ وحشی بافقی